

خلافت امویان (۴۱-۱۳۲ق)

مقدمه

در درس گذشته، با تحولات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ و دوران خلافت خلفای راشدین آشنا شدید. تحولات عصر خلافت امویان، کارنامه خلفای این خاندان و سیر دگرگونی و تبدیل حکومت دینی به سلطنت دنیوی، حماسه شکوهمند حسینی و فتوحات مسلمانان نکاتی است که در این درس درباره آن سخن گفته خواهد شد. در پایان نیز عوامل مؤثر در انقراض خلافت امویان بررسی می‌شود.

امویان در عصر جاهلیت و دوره اسلامی

پیامبر اسلام برای کامل کردن مکارم اخلاق و تربیت انسان‌هایی پاکیزه از جهت اندیشه و عمل مبعوث شد^۱ و به همین دلیل از آغاز رسالت تا هنگام رحلت اهتمام جدی به ایجاد تحول در فکر و رفتار جامعه عصر جاهلی داشت. تحولی که دشمنان پیامبر ﷺ و در رأس آنها بنی‌امیه تا آخرین روزهای پیش از فتح مکه در مقابل آن مقاومت کردند. گرچه سرانجام این مقاومت فروریخت و ابوسفیان و فرزندان او و سایر سرکردگان شرک در جریان فتح مکه ناچار به پذیرش ظاهری اسلام شدند؛ اما تاریخ نشان داد که اسلام آوردن دیر هنگام آنان، به تحولی بنیادین نینجامید و به محض آنکه بار دیگر امکان اثرگذاری بر جامعه را یافتند،

همان اندیشه و خصلت‌های جاهلی را در لباسی جدید به جامعه عرضه و تحمیل کردند. در واقع خلافت امویان تداوم تفکر جاهلی در بستر جامعه اسلامی بود.

معاویه بنیانگذار خلافت اموی

معاویه فرزند ابوسفیان، در جریان فتح مکه اسلام آورد. در دوران خلیفه اول با سپاه اسلام عازم فتح شام شد و در دوره خلافت خلیفه دوم در آن دیار به امارت رسید و تا زمان خلافت امام علی علیه السلام در این منصب باقی ماند. دوری شام از مرکز ظهور اسلام و طبعاً ناآگاهی نومسلمانان شامی از محتوای واقعی دین و پیشینه پیشرفت اسلام موجب گردید فرزندان ابوسفیان در نگاه مردم شام،

۱- پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ من تنها برای تام و تمام ساختن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام.

ادامه دادند، بدگویی از امام علی علیه السلام بود که توسط مبلغان مزدور انجام می‌شد. هدف از این کار محو الگوی کامل دینداری و نمونه عالی حکومت اسلامی و جایگزینی آن با صورت تحریف شده دین و سیاست بود. در همین راستا شیعیانی که حاضر به همکاری با معاویه نمی‌شدند، مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند و برخی از آنان مانند حجرین عدی به وضع فجیعی به شهادت رسیدند. معاویه حتی با وعده‌های فریبنده، همسر امام حسن علیه السلام را واداشت تا آن حضرت را مسموم کرده، به شهادت برساند.

۴- جذب و استخدام افراد حیله‌گر و جاه‌طلب:

معاویه به تنهایی قادر به اقناع افکار عمومی و ممانعت از مخالفت‌های گسترده مردم نبود. بنابراین، از هر راه ممکن از جمله با سوءاستفاده از بیت‌المال، واگذاری حکومت و حتی تهدید، تعدادی از افراد جاه‌طلب و حیله‌گر را به خدمت گرفت. برخی از این اشخاص با حیله‌گری و تزویر او را در طراحی روش سلطه بر مردم یاری می‌رساندند، جمعی دیگر نیز در لباس دانشمند و عالم دین با جعل حدیث و تحریف تاریخ، راه غلبه بر افکار عمومی را برای او هموار می‌ساختند و گروهی با نبوغ و توان نظامی خود، او را در سرکوب مخالفانش یاری می‌دادند. کسانی چون عمرو عاص، مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه از جمله این افراد بودند.

دردوره خلافت معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیکی قسطنطنیه پیش رفتند و در شرق نیز سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از سرزمین سند را تصرف کردند. ثروت حاصل از این پیروزی‌ها، دست معاویه را برای انجام اقدامات یاد شده باز می‌گذاشت.

مسلمانانی راستین شناخته شوند. معاویه با معرفی خود به عنوان صحابی پیامبر، پایگاهی نسبتاً محکم برای امویان در شام ایجاد کرد و از حمایت و همراهی مردم آن سرزمین برای دستیابی به اهداف دنیوی خود بهره برد. وقتی امام علی علیه السلام در آغاز خلافتش او را از حکومت شام برکنار کرد، امام و یارانش را به عنوان قاتلان خلیفه مقتول به مردم شام معرفی کرد و به بهانه خونخواهی عثمان، شامیان را به جنگ با امام علی علیه السلام کشاند. او سرانجام بعد از شهادت امام علی علیه السلام با تحمیل قرارداد صلحی به امام حسن علیه السلام رسماً خلافت را به دست گرفت.

معاویه در مقام والی شام و سپس خلیفه مسلمانان هدفی جز تداوم قدرت و سلطه امویان از هر طریق ممکن نداشت. او برای دستیابی به اهدافش شیوه‌های مختلفی به کار گرفت. از آن جمله است:

۱- تبدیل و تغییر حکومت دینی به سلطنت

دنیوی: اسراف و تجمل‌گرایی معاویه که با تعالیم اسلام، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی شیوه حکومتی خلیفه اول و دوم هم سازگار نبود، آشکارترین نشانه این تغییر است. افزون بر آن، معاویه با موروثی کردن خلافت و اعلام جانشینی فرزند ناصالح و فاسق خود (یزید)، گامی اساسی در جهت تغییر شکل و محتوای حکومت دینی برداشت.

۲- تفسیر جبر گرایانه دین و فریب افکار

عمومی: براساس این تفسیر، تحولات سیاسی و اجتماعی، تقدیر یا مشیت خدا تلقی گردیده، مبارزه و مخالفت با حکومت‌های ناصالح خلاف تقدیر و مشیت خداوند شمرده می‌شد.

۳- بدگویی از امام علی علیه السلام و آزار شیعیان:

از سیاست‌های زشت معاویه که جانشینان وی نیز آن را



قلمرو مسلمانان در دوره بنی امیه

خلافت یزید: کارنامه شوم

امام حسین علیه السلام، مسلم بن عقیل را برای بررسی وضع کوفه به آن شهر فرستاد. پس از ۳۵ روز اقامت مسلم در کوفه، بالغ بر هجده هزار نفر با او به نمایندگی از امام حسین علیه السلام بیعت کردند. مسلم در نامه‌ای آمادگی مردم کوفه را برای پشتیبانی از امام حسین علیه السلام به اطلاع آن حضرت رساند. امام پس از دریافت نامه او، مکه را به قصد عراق ترک کرد. از سوی دیگر یزید سریعاً دست به کار شد و با عزل حاکم کوفه که میلی به خونریزی نداشت، عبیدالله بن زیاد را که مردی سنگدل و خونریز بود، به کوفه فرستاد. عبیدالله پس از ورود به آن شهر چنان رعب و وحشتی ایجاد کرد که کوفیان عهدشان را با مسلم نادیده گرفته، او را در چنگال طرفداران بنی امیه رها کردند. مسلم که تنها مانده بود، مظلومانه به شهادت رسید.

معاویه پیش از مرگ در سال ۶۰ ق، زمینه را برای خلافت یزید فراهم آورد. با مرگ معاویه، یزید از والی خود در مدینه خواست تا از امام حسین علیه السلام برای او بیعت بگیرد. بیعت نشانه تأیید و اطاعت بود. امام که حکومت یزید را برخلاف اسلام و قرارداد صلح امام حسن علیه السلام می‌دانست از بیعت با او که به بی بند و باری و فسق و فجور نیز شهرت داشت، سر باز زد. امام حسین علیه السلام برای در امان ماندن از دسیسه کارگزاران یزید عازم مکه گردید. آن حضرت قصد داشت از فرصت حج استفاده کرده، شرایط نامطلوب جامعه و حکومت اسلامی را برای عموم حج‌گزاران تشریح نماید. مدتی بعد نامه‌های بسیاری از مردم کوفه به دست امام رسید. کوفیان در این نامه‌ها ضمن دعوت امام به کوفه، بر پشتیبانی قاطع خویش از او تأکید کرده بودند.

«ای مردم، آنکه سلطان جباری ببیند که حلال خدا را حرام می‌نماید، میثاق او را می‌شکند و بر ضد راه و روش رسول خدا عمل می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم فرمان می‌دهد، اگر به زبان یا کردار در صدد تغییر و اصلاح بر نیاید، سزاست که خداوند، جباران را بر او چیره سازد».

امام حسین علیه السلام

جباران را جز تنگ نمی‌شمارم». سرانجام پس از چند روز صف‌آرایی دو سپاه، در ۱۰ محرم سال ۶۱ ق در نیم‌روزی خونین، امام و هفتاد و دو تن از یاران وفادار و با ایمانش به شهادت رسیدند. حربن یزید ریاحی و چند تن دیگر از سپاه یزید نیز که پیش از آغاز نبرد به امام حسین علیه السلام پیوسته بودند، از جمله شهیدان کربلا بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با مطالعه رویدادهای عمر امامت امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نمونه‌هایی از تغییر سریع تصمیم‌های مردم آن زمان را برشمارید.

اهداف قیام امام حسین علیه السلام

امام پیش از حرکت، در وصیت‌نامه‌ای به برادرش، محمد بن حنفیه انگیزه خود را از قیام علیه یزید، امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق هدف‌های زیر برشمرد:

۱- اصلاح و بازسازی جامعه اسلامی بر اساس الگوی حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام.

۲- جلوگیری از رواج فساد و بی‌بندوباری در میان مسلمانان.

امام در مسیر خود به کوفه در حالی خبر پیمان شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل را دریافت کرد که مأموران این زیاد به فرماندهی حزن یزید ریاحی راه را بر او بسته بودند. امام و اندک یارانش در صحرای کربلا، بر سر دوراهی بیعت و اطاعت توأم با ذلت و خواری و یا استقبال از مرگ شرافتمندانه و شهادت در راه خدا قرار گرفتند. او راه دوم را برگزید و در خطبه‌ای فرمود: «من مرگ در راه عقیده و ایمان را سعادت می‌دانم و زندگی در سایه حکومت

حرم و مرقد مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا



رفتار لشکریان یزید با پیکر شهدا و بازماندگان آنان : لشکریان یزید بر اجساد شهدا اسب تاختند و سر مطهر آنان را بر نیزه کردند. زنان و کودکان را به اسارت گرفته، به کوفه و سپس شام بردند. با وجود همه این مصیبت‌ها حضرت زینب علیها السلام، سرپرست کاروانیان و

امام سجاد علیه السلام - که سخت بیمار بود - در طول مسیر و در کوفه و شام با خطبه‌های خود، پیام نهضت حسینی، فرجام بد ظالمان و تکلیف مسلمانان و همه انسان‌های شرافتمند را با عزت و سربلندی بیان داشته، مانع فراموشی حقیقت حماسه دینی و تاریخی کربلا شدند.

یک توضیح

وقتی که سربریده امام حسین علیه السلام را به همراه اسرا نزد یزید بردند، او در حضور جمع، شعری با این مضمون خواند : «ای کاش امروز پدران ما که در جنگ بدر کشته شدند، شاهد بودند و می‌دیدند که ما به تلافی قتل آنان امروز شیری شجاع و پهلوان (امام حسین) را به قتل رساندیم». یزید در ادامه با انکار نبوت گفت : «بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند، و حال آنکه نه پیامبری آمد و نه وحی‌ای نازل شد.»

جانشینان یزید

پس از یزید، پسرش معاویه دوم به حکومت رسید. او حدود چهل روز پس از تکیه بر کرسی خلافت، در مسجد حاضر شد و در مقابل عموم مردم به نکوهش از رفتار گذشته خاندان اموی پرداخت. از طغیان جدش، معاویه علیه خلیفه برحق - امام علی علیه السلام - و رفتار زشت پدرش در قتل و کشتار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شکستن حرمت مکه بیزاری جست و در حالی که می‌گریست کناره‌گیری خود را از خلافت اعلام نمود. او چندی بعد در گذشت یا به روایتی مسموم گردید.

کوفه پس از عاشورا

فاصله میان مرگ یزیدبن معاویه تا خلافت عبدالملک مروان، به دوران فترت خلافت اموی معروف شده است. امویان در دوره فترت علاوه بر شورش ابن زبیر با دو جنبش سیاسی - نظامی دیگر در عراق مواجه شدند :

واقعه حرّه : جنایات عمال یزید در قتل عام و اسارت خاندان پیامبر، دینداران و پرهیزکاران مدینه را سخت نگران و مضطرب کرد. نمایندگان مردم مدینه که به شام رفته بودند پس از بازگشت، اخلاق و رفتار زشت و پلید یزید را به اطلاع عموم رساندند؛ در نتیجه، مردم مدینه عبدالله بن حنظله را به رهبری برگزیدند و حاکم اموی را از شهر بیرون راندند. یزید لشکری را برای سرکوبی مخالفان به مدینه اعزام کرد که با قساوتی تمام جنبش را سرکوب و شهر پیامبر صلی الله علیه و آله را عرصه تاخت و تاز قرار داد. در این واقعه، جمع کثیری از جمله هفتصد تن از قاریان قرآن و هشتاد تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شدند.

این سپاه سپس برای سرکوب عبدالله بن زبیر، یکی دیگر از مخالفان یزید عازم مکه شد و برای وادار ساختن او به تسلیم، مسجد الحرام را به منجنیق بست و موجب ویرانی کعبه گردید. در همین زمان خبر مرگ یزید به سپاهیان رسید و کارنامه شوم خلافت وی بسته شد.

قیام توابین و قیام مختار.

قیام توابین : نخستین قیام به قصد خونخواهی امام حسین علیه السلام را گروهی از مردم کوفه که به توابین معروف شدند، برپا کردند. قیام توابین بیش از آنکه حرکتی آگاهانه، هدفمند و برنامه‌ریزی شده باشد، نوعی واکنش عاطفی شتابزده بود. به همین دلیل توابین پس از درگیری کوتاهی با سپاه اموی، شکست خوردند و بسیاری از آنان به قتل رسیدند.

قیام مختار : مختار از خانواده‌های اشراف کوفه بود. او به بهانه خونخواهی امام حسین و با بهره‌گیری از احساسات جریحه‌دار شده مردم کوفه و میدان دادن به موالی، به ساماندهی سپاهی برای مبارزه با امویان از یکسو و عبدالله بن زبیر از سوی دیگر پرداخت. وی به موفقیت‌های بزرگی دست یافت و با شکست لشکر شام، بسیاری از عاملان فاجعه کربلا از جمله عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و شمر را مجازات کرد. اما توجه و تکیه او به موالی، موجب رنجش رؤسا و اشراف کوفه شد. آنان

با نیروهای عبدالله بن زبیر هم‌داستان شدند و مختار را شکست دادند. قیام مختار نخستین صحنه حضور گسترده ایرانیان در یک جنبش ضد اموی بود.

انتقال خلافت اموی از شاخه سفیانی به شاخه مروانی : پس از درگذشت معاویه دوم، به سبب درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در میان طرفداران بنی امیه و شورش دیگر مدعیان خلافت، روند تداوم قدرت در خاندان اموی دچار اختلال گردید. سرانجام مروان سالخورده پس از سال‌ها انتظار، در شام به خلافت رسید. او اندکی بعد در گذشت، اما خلافت اموی تا هنگام سقوط در دست فرزندان و نوادگان وی که به مروانیان یا بنی مروان معروف‌اند باقی ماند. عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان خلافت را از میان برداشت و دوباره اقتدار و حاکمیت امویان را بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی برقرار کرد.

یک توضیح

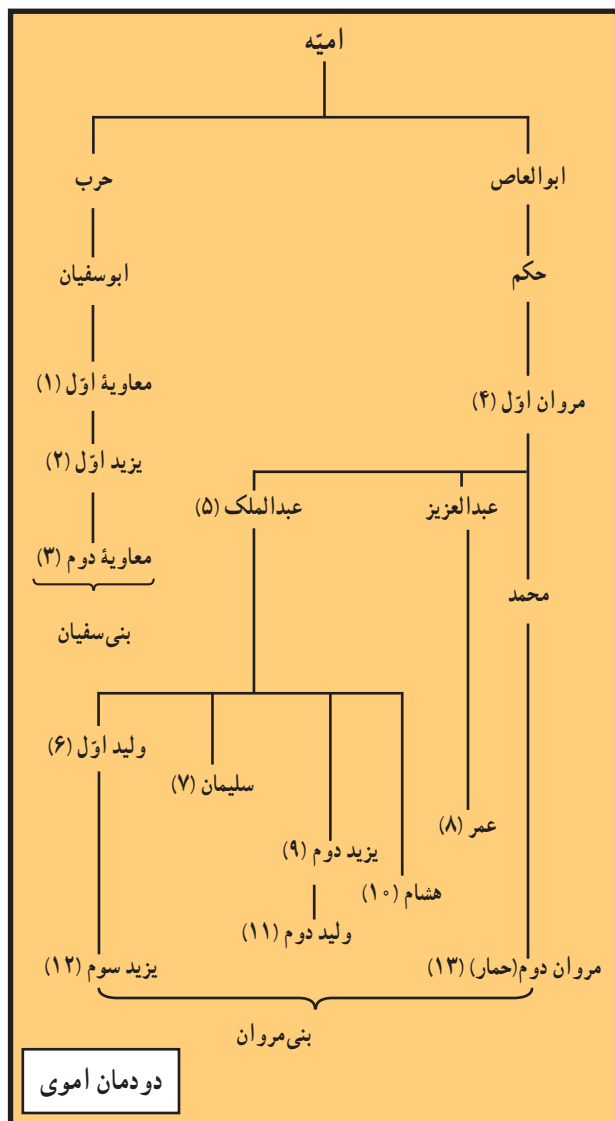
امام سجاد علیه السلام، آمیزش عظمت مبارزه و شکوه عبادت

امام سجاد علیه السلام پسر امام حسین علیه السلام و چهارمین امام شیعیان است. شدت بیماری موجب گردید که با وجود حضور در کربلا، نتواند در نبرد شرکت کند. آن حضرت پس از قیام کربلا، به همراه سایر بازماندگان حادثه، وظیفه انتقال پیام این حرکت الهی را به عهده گرفت. امام سجاد علیه السلام در روزگار آشفته پس از امام حسین علیه السلام و اختناق حاکم بر جامعه اسلامی، ضعف بنیه فکری و اعتقادی و فقدان معنویت را اصلی‌ترین مشکل جامعه تشخیص داد. بنابراین، با تربیت و آموزش شاگردانی، نخستین هسته دانشمندان شیعه را تشکیل داد. دعا‌های امام سجاد علیه السلام از جمله روش‌های غیر مستقیم او برای آموزش عمومی مردم بود. شیوه دیگر امام آن بود که بردگان را می‌خرید و پس از تعلیم آموزه‌های دین به آنان، آزادشان می‌کرد. به این صورت طی یک جریان تدریجی و درازمدت، زمینه‌های تحولی بنیادین در تفکر و اندیشه جامعه اسلامی را فراهم آورد. آثار این آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، در اقبال گسترده دانش پژوهان به محضر درس امامان بعدی آشکار گردید.

خلافت عمر بن عبدالعزیز : هر چند خلفای اموی

به ظاهر می‌کوشیدند با ادعای دینداری و فریب مردم، اعمال خود را توجیه نمایند، اما عملکرد آنان و دست‌نشانده‌گانشان موجب تنزل مقبولیت و مشروعیت دستگاه خلافت اموی در میان مردم شد. این مسئله حاکمیت اموی را دچار مخاطرات جدی کرد. لذا عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه اموی شیوه‌ای متفاوت با دیگر خلفای اموی در پیش گرفت. او در دوران خلافتش به انجام تغییرات و اصلاحاتی دست زد که می‌توانست به کاهش ناراضی‌های عمومی از امویان بینجامد. مهم‌ترین اقدامات اصلاحی این خلیفه عبارت بود از :

- ۱- توقف فتوحات و رسیدگی به مطالبات سپاهیان که از جانب فرماندهان مورد ستم و بهره‌کشی قرار گرفته بودند.
- ۲- رسیدگی به وضع مردم ولایات و مناطق مختلف و اعمال نظارت بر عملکرد والیان و استانداران اموی؛ از جمله منع اخذ جزیه از نومسلمان.
- ۳- ممنوع کردن دشنام‌گویی و اهانت به امام علی (علیه السلام) که از زمان معاویه به‌طور وسیعی در تمام سرزمین‌های اسلامی به اجبار اجرا می‌گردید. اما اجرای این اصلاحات تغییر جدی در شرایط اجتماعی و اقتصادی آن روزگار و جایگاه امویان در نگاه عمومی ایجاد نکرد؛ زیرا خلافت وی کوتاه مدت بود و خلفای بعدی سیاست‌های عمر بن عبدالعزیز را کنار گذاشتند. در نتیجه اعتراض و ناراضی‌های عمومی از حکومت اموی همچنان گسترش یافت.



سقوط حکومت بنی امیه

چون قیام‌های ضد اموی در مناطق عرب نشین نظیر عراق که تحت نظارت مستقیم دستگاه خلافت بود، با خشونت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌شد و حکومت مستبدانه

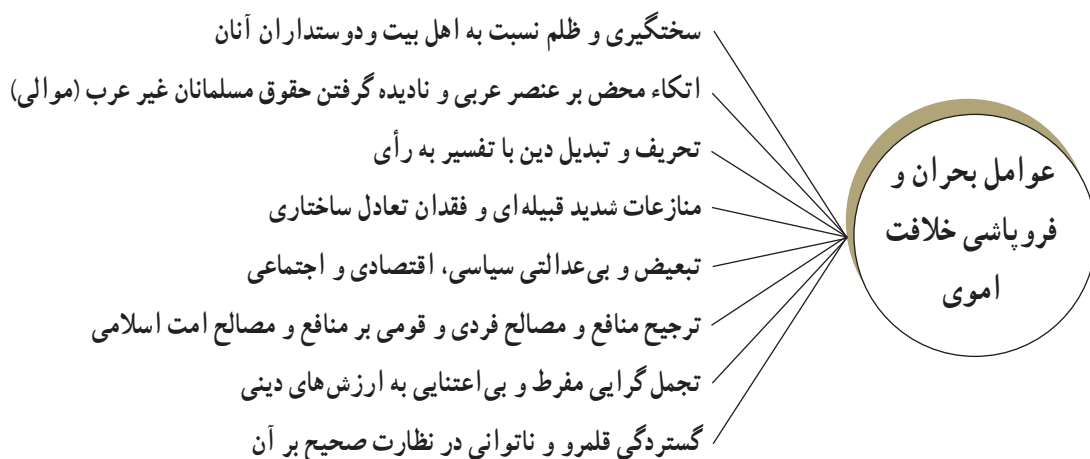
کسانی مانند حجاج بن یوسف (والی خشن عبدالملک در عراق) فرصت هرگونه اعتراضی را از مردم سلب کرده بود. مخالفان به منظور حفظ جان خود و تداوم مبارزه به تدریج در سرزمین‌هایی مستقر شدند که شرایط مناسب‌تری برای فعالیت داشته باشد. خراسان از جمله این سرزمین‌ها بود که به دلایل زیر به بزرگترین کانون انقلاب ضد اموی تبدیل شد:

- ۱- از آنجا که این سرزمین مرز قلمرو اسلامی با مناطق غیرمسلمان بود، همواره جمعیت قابل توجهی از جنگجویان مسلمان در آن منطقه حضور داشتند.
 - ۲- به دلیل امنیت این منطقه برای مخالفان، نیروهای ناراضی به ویژه علویان و بنی‌هاشم در این سرزمین مستقر شده، هواداران پرشوری برای خود یافتند.
 - ۳- اعراب مهاجر در این منطقه به واسطه اختلافات قومی و قبیله‌ای از وحدت و یکپارچگی لازم برخوردار نبودند؛ لذا مانع جدی در مقابل مخالفان ایجاد نمی‌کردند.
 - ۴- ایرانیان مسلمان که به عنوان موالی در معرض انواع تحقیر و ستم حکام نژادپرست اموی قرار داشتند، همراهی مؤثری با مخالفان اموی از خود نشان دادند.
- در چنین شرایطی داعیان عباسی که از تشکیلات تبلیغاتی منسجمی برخوردار بودند، با رعایت اصول

مخفی‌کاری، اصلی‌ترین بخش فعالیت‌های خود را در منطقه خراسان متمرکز کردند. آنان با جلب توجه مردم به اسلام و محسنات آن، بر انحراف بنی‌امیه از تعالیم اسلامی و ظلم نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ تأکید می‌ورزیدند. اما دو چیز بیش از همه در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود:

- ۱- تأکید عباسیان بر نسبت خویشاوندی‌شان با خاندان پیامبر ﷺ.
- ۲- انتخاب شعار کلی و مبهم «الرضا من آل محمد»: این شعار علاوه بر علویان، ایرانیان را نیز که گرایش وسیعی به تشیع و محبت اهل بیت پیامبر داشتند، به پشتیبانی از جنبش ترغیب می‌کرد. در درس آینده خواهید خواند که این شعار عباسیان تنها عاملی برای فریب افکار عمومی بود.

به هر حال جنبش خراسانیان که توسط ابو مسلم سازمان‌دهی گردید، نقش اساسی در تحولات تاریخی آن دوره بازی کرد. آنان چون لباس سیاه را نشان و شعار خود قرار داده بودند به «سیاه‌جامگان» معروف شدند. سرانجام با سقوط دمشق و قتل مروان حمار، آخرین خلیفه اموی در سال ۱۳۲ق، خلافت بنی‌امیه منقرض شد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- معاویه برای رسیدن به اهدافش چه شیوه‌هایی به کار برد؟
- ۲- دلیل شکست قیام مختار را توضیح دهید.
- ۳- چه عواملی در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل فروپاشی حکومت امویان کدام‌اند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد اقدامات حجاج بن یوسف گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره فتوحات مسلمانان در اسپانیا یا شبه قاره هند در دوره اموی مطلبی تهیه کنید.
- ۳- عملکرد امام حسین علیه السلام را در زمان معاویه و در دوره یزید با هم مقایسه کنید و در مورد دلایل تفاوت عملکرد امام مطلبی بنویسید.